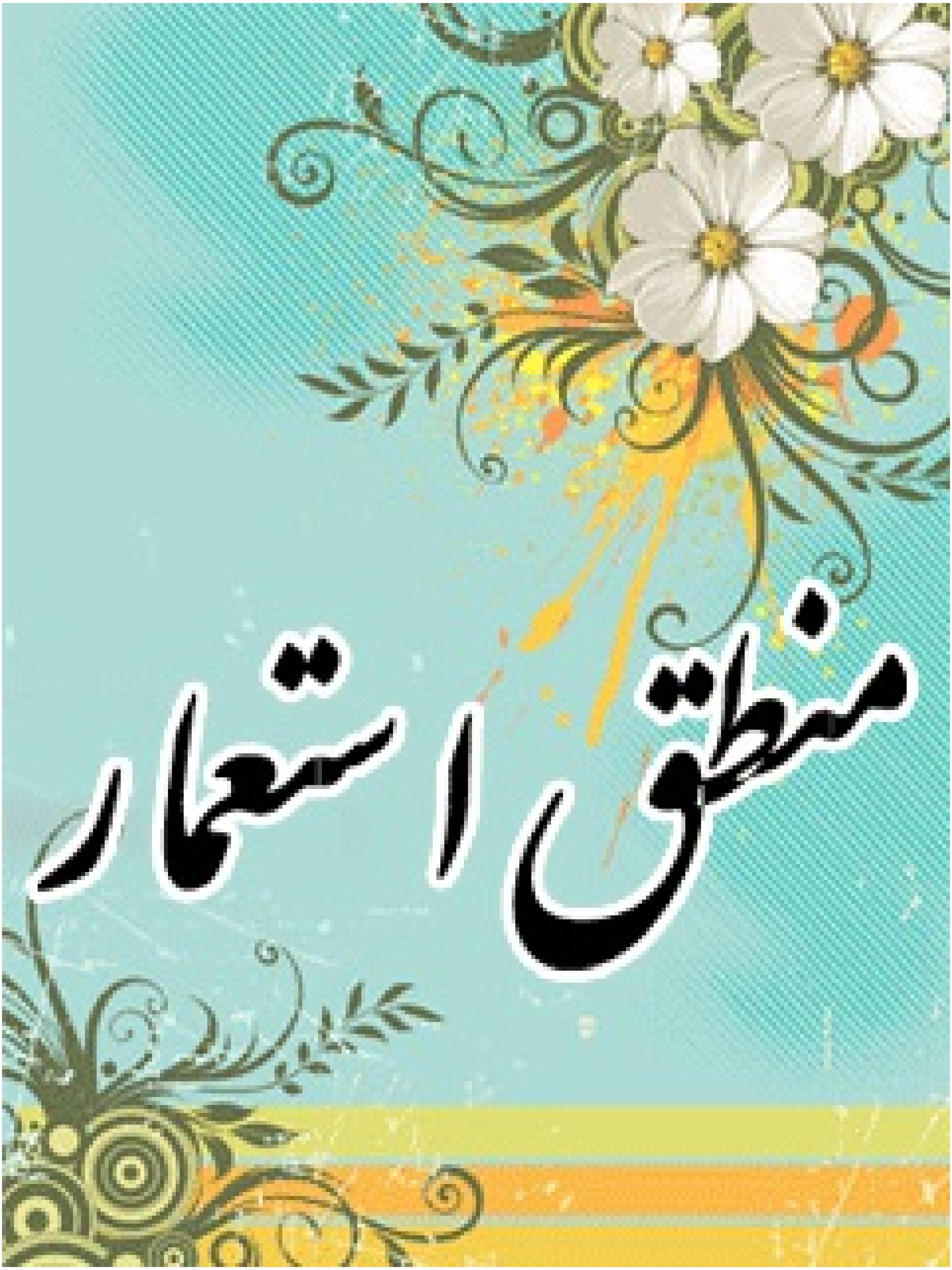

منطق استعمار

بسم الله الرحمن الرحیم

منطق استعمار

نویسنده:

آیت الله سید محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

موسسه الرسول الاکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

منطق استعمار

مشخصات کتاب

نویسنده : محمد حسینی شیرازی

ناشر : موسسه رسول الاکرم (ص)

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمین والصلاه علی محمد و آله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین .

از محکمترین دژهای استعمارگران این سه موضوع است :

۱ بما می خندند .

۲ دنیای روز قبول نمی کند یا چرخهای تمدن به عقب بر نمی گردد .

۳ نیازی به علماء و روحانیون و ارتباط و همبستگی با آنان نداریم .

و اینها منطق استعمارگران است ، که بعضی از مسلمانان با اخلاص را به دام انداخته ، و دیگران این کلمات را با مکر و حیله جهت خراب کردن چهره اسلام و مسلمین به کار می گیرند .

باید دقت کرد ، که آیا این منطق صحیح است ؟

از خداوند متعال می خواهم که به مسلمانان توفیق رهائی از دام استعمار را عنایت بفرماید .

به ما می خندند

آیا این جمله مجوزی برای انجام دادن عملی یا ترک آن می تواند باشد ؟ هرگز : زیرا آنچه که مایه خنده است ، در هیچ روزگاری ملاک صحّت یا فساد عملی نبوده و نخواهد بود . بخاطر اینکه همیشه انسانهای صالح به انسانهای بد کار و برعکس می خندیدند ، این امری است عادی و محسوس . در حدیثی آمده است : هنگامی که زن بی حجاب را در کفن می پیچند و در قبر می گذارند ، ملائکه می خندند که این زن هنگامی که زیبائی داشت و مایه رغبت دیگران بود ، خودش را در معرض دید همگان قرار داده بود ، و اکنون که مورد تنفر است در حجاب قرار گرفته است .

و خداوند متعال می فرماید : (فالیوم الذین امنوا من الکفار یضحکون) یعنی : امروز (که روز جزای نیک و بد است) اهل ایمان به کفّار می خندند(۱) .

این آیه

شریفه خنده نیکوکاران به بدکاران را بیان می کند . اما خنده بدکاران به انسانهای درستکار و شایسته در این آیه شریفه بیان شده است :

(إن الذین اجرموا کانوا من الذین امنوا یضحکون و اذا مروا بهم یتغامزون و اذا انقلبوا الی اهلهم انقلبوا فاکهین و اذا رأوهم قالوا إنّ هؤلاء لضالّون) .

یعنی : امروز بدکاران بر اهل ایمان می خندند (و مسخره می کنند) ، چون به آنها بگذرند به چشم طعن و استهزاء بنگرند ، اگر از حضور محفل مومنان آن بدکار مردم به سوی کسان خود باز گردند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می کنند و مؤمنان را که ببینند گویند اینان به حقیقت مردم (ساده لوح) گمراهی هستند(۲) .

و علاوه بر این همه پیامبران از طرف مردم خود مورد تمسخر و استهزاء قرار می گرفتند و قرآن کریم در این باره می فرماید (یا حسره علی العباد ما یاتیهم من رسول الاکانوا به یستهزؤون) .

یعنی : وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آن که او را به استهزاء گرفتند(۳) .

و همچنین انسانهای با ایمان دائما به تمسخر گرفته می شدند ، در این زمینه خداوند می فرماید :

(و اذا لقوا الذین آمنوا قالوا امنا و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم انما نحن مستهزؤون) .

یعنی : چون به اهل ایمان برسند ، گویند ما ایمان آورده ایم و اگر با شیطانهای خود خلوت کنند ، گویند ما باطناً با شمائیم ، جز اینکه مؤمنان را استهزاء می کنیم(۴) .

پس نتیجه می گیریم که تمسخر دیگران و خنده آنان میزان و معیار صحت یا فساد

عمل نمی شود ، بلکه صحت کارها یا فاسد بودن اعمال را از راههای عقلی یا نقلی باید فهمید .

هنگامی که جهان غرب و غربیها اندیشه حمله به سرزمینهای اسلامی را در سر پروراندند این تفکر را در ذهن جوانان مسلمان وارد کردند که خنده دیگران میزانی برای شناسائی درستی یا نادرستی کارها است و بلکه محکمترین میزان و معیار در این زمینه می باشد .

آنهم کدام خنده ؟ خنده از ناحیه غرب و غرب زده ها ، بدین معنی که غرب به هرجه می خندد باید آن را رها کرد و دور انداخت اگرچه از محکمترین اصول دین باشد ، و هرچه را که غرب به آن نمی خندد و تائید می کند اگرچه مخالف و ضد دین باشد ، درست و باید به آن عمل کرد .

و اگر خدای ناکرده این تفکر میزان و ملاک امور ما در زندگی باشد ، چه آسان می شود بر یک غربی که هر عقیده و خرافه ای را در ذهن مسلمانی جای دهد و فکر او را از هرگونه حقیقتی خالی نماید .

جالب توجه این است ، هنگامی که بعضی از روشنفکرهای غربزده می خواستند بین دو فرهنگ اسلامی و غربی الفتی ایجاد کنند ، مجبور شدند که دین را بر طبق اندیشه ها و خواسته های غرب پیاده کنند نه اندیشه های غرب را بر اساس مبانی دین .

تنها به این دلیل که مگر نیست ، که دنیا به غرب رو کرده است ؟ مگر حق به جانب صاحبان قدرت و سلطه نیست ؟

و چه زیبا امیرالمؤمنین(ع) فرموده اند : (الدنیا اذا اقبلت علی قوم اعارتهم محاسن غیرهم ، و اذا ادبرت عن قوم سلبتهم محاسن انفسهم) .

یعنی

: هرگاه دنیا به گروهی رو آورد ، فضیلت و خوبی دیگران را به ایشان نسبت می دهند و هرگاه از آنها پشت گرداند ، فضیلتها را از آنان می گیرد(۵) .

اگر در دبیرستانها و دانشگاهها از دانش آموز یا دانشجویی سؤال شود ، آیا از دینت مواظبت می کنی ؟ در جواب می گوید خیر ، اگر سئوال شود چرا ؟ می گوید زیرا بما می خندند .

اگر نماز بخوانیم و روزه بگیریم مایه خنده می شویم . او با این جواب فکر می کند دلیل بسیار محکمی را ارائه داده است و عذر واضحی را برای شما آورده است ، به گمانش می رسد که با داشتن چنین دلیلی دیگر از جانب هیچ کس مورد مؤاخذه قرار نخواهد گرفت نه از طرف عقل و نه از جانب شرع مقدس .

یک زمانی برای تشکیل نماز جماعت در مدارس تلاش و کوشش فراوان شد که نتیجه بخش هم بود ، و توانستیم نماز را در مدارس راه اندازی کنیم ، همین موضوع خندیدن دیگران بعضی از این نمازها را از هم پاشید و تعطیل کرد .

مگر می شود مدرسه و نماز جماعت باهم باشد ؟ شما مرتجع و عقب افتاده هستید نه روشنفکر و با فرهنگ ، و از این قبیل حرفها و مسخره کردنها که مانند باران بر صفهای نماز باریدن گرفت و عده ای در مقابل این کلمات فرار را برقرار ترجیح دادند ، با خود گفتم : اگر به جای این سخنها ، بر سر ما فشنگ و گلوله می بارید آن وقت چه حالی داشتیم ؟

بسیاری از جوانان را می بینیم که محاسنشان را می تراشند ، در حالی که باطناً از این کار متنفرند و

از حرمتش هم اطلاـع دارنـد ، فقط بخاطر این است که به او می خندنـد و بسیاری از دختران جوان ، حجابشان را رعایت نمی کننـد به دلیـل اینکه همنشینان و هم کلاسیهای آنها می خندنـد و اگر اختیار به دستشان بود ، حتماً دارای بهترین حجاب می شدند و لکن معیار و میزان ، خنده دیگران است . آن هم خنده از طرف دختران بی بند و بار به دختران با حجاب .

در بعضـی از کشورها که مقداری رنگ اسلام به خود گرفته است اگر انسانِ قرآن به دستی مشاهده شود فوراً به او می خندند که عجب آدم عقب مانده ای است هنوز دور و بر قرآن می چرخد در حالی که جهان دور و بر ماه مریخ می چرخد .

جوانی استفتاء در باره مواردی که انسان دچار موجی از خنـده دیگران می شود نمود و او چنین گفت : با دوستانم به کافه ای رفتیم ، دیـدم جامهای شراب بین دوستان تقسیم شد و هریک جامش را سر کشید ولی من تعارفشان را رد کردم آنها به من اصرار کردند ولی من مقاومت نمودم تا اینکه به شدت مرا مسخره کردند و به من خندیدند ، و من در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفته بودم ، اگر بار دیگر چنین موضوعی برایم اتفاق افتاد چه کنم و وظیفه ام چیست .

واقعاً امر مسلمانان عجیب است ، هنگـامی که گانـدی رهـبر آزادی بخش هندوستان شراب را منع کرد ، هنـدوها در طول و عرض کشورشـان یک میلیون درخت ، درختهائی که از آنها شراب تهیه می شود را در یک روز بریدنـد ، ولی قرآن مجیـد و پیامبر اکرم(ص) این جایگاه را در دل بعضی از مسلمانان

ندارند ، و همین امر از عقب ماندن مسلمین است .

اگر به مسلمانی در صدر اسلام و تقریباً قبل از نیم قرن گفته می شد ، برای اطاعت از دستور اسلام دست از مال ، اولاد ، زندگی و حتی جان شیرینت بردار ، بی درنگ انجام می داد ، اما در این زمان و در بعضی از کشورهای اسلامی ، یک فرد مسلمان حاضر نیست خنده دیگران را به خاطر اسلام تحمل کند و بر همین اساس بعضی از شرکت کردن در شعائر حسینی(ع) إبا دارند زیرا دیگران به این کارها می خندند و بعضی دیگر اظهار می کنند ، اگر غربیها ما را در حال انجام دادن این مراسم ببینند ، چه می گویند ؟ انگار که قوانین اسلام و شعائر اسلامی بستگی به پسندیدن و یا نپسندیدن غربیها دارد ، که اگر آنها پسندیدند ما هم انجام می دهیم و اگر نپسندیدند ما هم نمی پسندیم و انجام نمی دهیم .

چقدر جای تعجب است همین آقایان شیفته غرب روزانه به هزار و یک خطا و منکر گذر می کنند ولی یک کلمه اعتراض از دهانشان بیرون نمی آید ! و اگر به کاری که غرب نمی پسندد و به آن می خندد برسند دنیا را پر از داد و فریاد می کنند ، و به مسلمانان نسبت نادانی و جهالت می دهند . کدام نادانی ؟ و حال آنکه مرد مسلمان در واجبات ، مستحبات و سایر احکام اسلامی از علماء و دانشمندان دینی پیروی میکند .

برای شناخت صحت یا فساد عملی ، برای کسی که به درجه فقاهت و اجتهاد در بدست آوردن حکم خدا از کتاب ، سنت ، اجماع عقل نرسیده ، میزان فتوای

علماء می باشد .

اما خنده دیگران میزانی است که توسط غربیها بین مسلمانان رواج پیدا کرده است ، تا آنها را از دین و هستیشان باز بدارند و برای این میزان و معیار ، بازار پر رونقی میان مسلمانان به راه انداخته اند و گروهی از روشنفکران و اشخاصی که از آنها پیروی می کنند ، خریدار این بازار می باشند .

و همه دیدیم که روشنفکرهای غرب زده چگونه با همین میزان و معیار ، به خدا و هر کسی که اعتقاد به آفریدگار جهان دارد می خندند ، و اسلام و هر شخصی را که پایبند به مبانی و مقررات آن باشند کوچک و حقیر می شمارند .

و در پایان می گوئیم : خواننده عزیز اگر شما در میان دوستان ، آشنایان و همکارانی قرار گرفتید که سخنی از خندیدن و مسخره کردن دیگران بعنوان میزان سنجش کارها و ارزشها پیش آمد ، آگاه باش که بحث راجع به استعمار فکری و حربه ای که غرب داخل فکر مسلمانان منحرف نموده میباشد و اینچنین وارد میدان عمل شده و همیشه گفته خداوند را به یاد داشته باش :

(یا حسره علی العباد ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزؤون)(۶) .

۱ سوره مطففین : آیه۳۴ .

۲ سوره مطففین : آیه۳۲ – ۲۹ .

۳ سوره یس : آیه۳۰ .

۴ سوره بقره : آیه۱۴ .

۵ نهج البلاغه ، فیض : کلمات قصار شماره ۸ .

۶ سوره یس : آیه۳۰ ، ترجمه این آیه شریفه قبلا گذشت .

چرخهای تمدن به عقب بر نمی گردد

هنگامی که بعضی از مردم بخواهند یک قانون اسلامی را بکوبند و یا سنت خوبی را از بین ببرند ، جمله چرخهای تمدن به

عقب برنمیگردد را بکار می گیرند ، بی آنکه مفهوم آن را درک کنند .

و گروهی دیگر بجای این جمله از جملات دیگری استفاده می کنند ، مانند : دنیا این حرف را قبول نمی کند !

آیا این کلمات و امثال آن صحیح است ؟ باید دقت داشت که دنیا هم چیز صحیح و هم فاسد را قبول می کند . و اغلب مردم به سنتهای قدیمی عادت کرده اند حتی اگر آن سنت امر غلطی باشد و به همین جهت کسانی که می خواهند ، جامعه را اصلاح کنند ، در راه احقاق حق و منهدم نمودن باطل ، با سخت ترین مشکلات روبرو می شوند .

ولی عقلائی که در قلبشان مرضی نیست و اهل تعصب و عناد نیستند ، کار صحیح را اگر بیابند با کمال میل می پذیرند ، و اگر از کار باطلی آگاه بشوند دوری می کنند حتی اگر آن کار صحیح را دیگران رها کرده و به کار باطل رو آورده باشند .

پس باید از آنچه صحیح است پیروی کنیم ، چه دنیا آن را بپذیرد یا نپذیرد . و آنچه را که باطل است باید رها کنیم و زیر بار قبولی آن نرویم چه آن را دنیا پذیرفته باشد یا نپذیرفته باشد .

و غرب استعمارگر این جمله که دنیا این کار را نمی پذیرد پس ما هم نمی پذیریم را پتکی قرار داده ، که با آن احکام اسلام از کوچك و بزرگش را بکوبد و از بین ببرد .

و اذهان مردم را از این جمله پر کرده و طوطی وار آن را تکرار می کنند ، بی آنکه از آن چیزی بفهمند و بارها شده که هنگام بحث با افراد مختلف ،

وقتی از جواب و بحث عاجز می شدند به این جمله پناه می برند و بعنوان دلیل قاطع از آن یاد می کردند .

در اینجا به پاره ای از مسائل که راجع به آنها با بعضی از جوانان بحث و گفتگو داشتم ، اشاره می کنم .

از جمله بـا شخصـی در باره پارلمان مجلس شوری که مسـئولیت قانون گـذاری را بر عهـده دارد ، و در کشورهای جهان آزاد معمول است گفتگو کردم .

او ابتداء گفت : پارلمان باید اصلاح شود . گفتم : آیا بهتر نیست که سفره قانونهای جعلی غیر شرعی را برچینیم ؟

گفت : چگونه ؟ آیا به نظام دیکتاتوری برگردیم ؟ !

گفتم : آیا بین این دو نظام ، راه دیگری نیست ؟

گفت : آن راه کدام است ؟ و ظاهراً راه دیگری وجود ندارد .

گفتم : برگردیم بسوی قوانین اسلامی .

گفت : اسلام چه ربطی به این کارها دارد ؟ !

گفتم : برای اسلام روش خاصی در سیاست است که ربطی به مجلس قانون جعلی و نظام و دیکتاتوری ندارد .

گفت : روش اسلام در اداره امور چگونه است ؟

گفتم : روشی که پیامبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام) بکار گرفتند ، قبل از بدنیا آمدن کلمه قانون وضعی .

گفت : دنیا پیشرفت کرده است .

گفتم : پیشرفت جهان و صنعت چیزی است قابل درک و فهم ، آیا دگرگونی و تحول در اخلاق اگر از خوب و صحیح بسوی بد و فاسد باشد باید به آن عمل کنیم ؟

گفت : این حرفها را کنار بگذار ، چرخهای دنیا به عقب بر نمی گردد .

گفتم : مقصود شما از این حرف چیست ؟

گفت : یعنی نمی توانیم

نظام سیاسی قدیمی را در این زمان پیاده کنیم .

گفتم : برای چه نمی توانیم پیاده کنیم ؟

گفت : دنیا از آن استقبال نمی کند .

گفتم : برعکس ، اگر دنیا راه بهتر را بشناسد ، دیگر به آنچه که عادت کرده اعتنایی نمی کند .

گفت : راجع به این حرفها صحبت کردن وقت تلف کردن است ، باید راجع به یک کار مفیدی صحبت کنیم و به نظر او کار مفید ، تأسیس مدرسه یا انتخاب وکیل شایسته یا چاپ نشریه و مانند اینها بود و صحبت کردن راجع به اصل اینها یعنی نظامی که در سایه آن زندگی خود را اداره کنیم ، راه غیر مفید می دانست . و شاید کسی در اینجا از چگونگی قانون و حکم اسلامی که غیر از قانون و نظام دیکتاتوری و دموکراسی می باشد بپرسد ؟

در پاسخ بطور خلاصه می گوئیم : (مشروح آن را در کتابهای مفصل بیان کرده ایم) حکم و قانون در همه کارها ، از کوچک و بزرگ از آن خداوند متعال می باشد نه از آن فرد خاصی و نه از آن مردم و این قانون را علماء و فقهاء از کتاب و سنت استنباط می کنند و برای مردم بیان می نمایند . و رئیس کشور از این حکم و قانون پشتیبانی و حمایت می کند ، و مسلمانان با اکثریت آراء شوری مرجعیت را انتخاب می کنند که این شوری بالاترین قدرت در کشور می باشد و اگر مشکلی در کارهای حکومت پیش آمد ، رئیس حکومت و کارشناسان و فقهاء باهم همکاری نموده و در رفع آن مشکل اقدام می نمایند . و تا هنگامی که رئیس حکومت از نظر اسلام برای

ریاست و اداره مسلمانان ، صلاحیّت داشته باشد ، در منصبش باقی می ماند ، حتی اگر این مدت به نصف قرن هم برسد و برکنار نمودن رئیس حکومت در صورت بی کفایتی و عدم صلاحیّت او از دیدگاه اسلام ، بر مردم واجب است حتی اگر چند روز پس از انتخاب او بوده باشد .

مثال دیگری بزنیم شاید برای ذهنی که از افکار غربی پرشده عجیب باشد . در رابطه با عنوان بحثمان که بصورت گفتگو بین من و بعضی از پزشکان صورت گرفته است .

به آقای دکتر گفتم : مگر جنابعالی به اسلام ایمان ندارید ؟ گفت : من مسلمانِ معتقد به مبانی اسلام همراه با عمل به آنها می باشم انشاءالله تعالی .

گفتم : پس چگونه بدن مردگان را تشریح (کالبد شکافی) می کنید ؟

گفت : مگر ایرادی دارد ؟

گفتم : تشریح (کالبد شکافی) در شریعت اسلام حرام است ، و دیه دارد و در کتاب دیات از کتابهای فقهی اسلام حکم آن مفصلاً بیان شده است .

با تعجب گفت : در اسلام تشریح (کالبد شکافی) حرام است ؟

گفتم : بله ، گفت : ولی پیشرفت علم بر تشریح (کالبد شکافی) متوقف است .

گفتم : این حرف مجوزی برای انجام دادن تشریح (کالبد شکافی) نمی تواند باشد .

گفت : آیا برگردیم به عقب ؟

گفتم : برعکس ، از زمانی که علم طب از روش اسلامی منحرف گردیده است به عقب برگشته است .

با تعجب گفت : این حرف شما را چه کسی باور می کند ؟

گفتم : جنابعالی و همه مردم باور می کنند ، که پدران و نیاکان ما از نظر جسمی صحیح تر ، از نظر عمر طولانی تر

و از نظر نشاط بهتر از ما بودند ، و بیماریها نسبتاً عجیب کمتر از بیماریهای امروز بود ، حتی شهری که دارای پنجاه هزار نفر جمعیت بود ، دو یا سه پزشک و بیست یا سی بیمار بیشتر نداشت . ولی همان شهر فعلاً دارای بیش از صد پزشک و بیش از هزار بیمار می باشد .

گفت : اینهایی که گفتی همه درست است ، ولی چه ربطی به بحث ما دارد ؟

گفتم : در اینکه طب جدید چیزهای جدیدی را کشف نموده است ، شکی نیست ولی برخی از برنامه هایش دارای اشتباه است و از آن جمله تشریح (کالبد شکافی) است .

گفت : پس می گویی چه کار کنیم ؟

گفتم : خوبی های طب قدیم و خوبیهای طب جدید را جمع می کنیم و بدی و نقصهای هردو طرف را دور می ریزیم .

گفت : پس می گویی ، پزشکی بدون تشریح (کالبد شکافی) ؟

گفتم : بله . ولی با تشریح (کالبد شکافی) حیوانات و اجساد پلاستیکی .

گفت : دنیا این حرف را قبول نمی کند .

گفتم : دنیا در مقابل حق و حقیقت ، چه قیمتی دارد ؟ و آیا درست است بخاطر این دنیای منحرف ، خودمان را در مشکلات قرار دهیم ؟

در باره قانون و حکم اسلامی با افراد متعددی گفتگو نموده ام ، که یکی از آن افراد می گفت :

دستور اسلام قابل پیاده شدن نیست . گفتم : برای چه ؟

گفت : بخاطر اینکه اسلام برای زمانی غیر از زمان اتم و ماهواره و سفینه های فضائی آمده است .

گفتم : به چه دلیل این حرف را می زنی ؟

گفت : خیلی روشن است .

گفتم : چگونه ؟

گفت

: برای اینکه دنیای امروز با دستورات اسلامی کنار نمی آید .

گفتم : از کجا این را دانستی ؟

گفت : از آنجائی که آنها اسلام را رها کرده اند .

گفتم : واقعیت برعکس گفته شما است . اگر امروز دنیا اسلام را می شناخت بیشتر از قبل دستورات اسلام را می پذیرفت ، زیرا آنچه را دنیای امروز از آزادی ، برابری ، برادری ، کارهای شورایی و رفاه می طلبد ، همه آنها در اسلام به بهترین وجه و آسانترین روش برای عملی نمودن ، موجود است .

گفت : آیا در اسلام آزادی وجود دارد ؟

گفتم : اسلام انواع آزادی را که جهان به خواب هم ندیده ، در بر دارد .

گفت : چگونه ؟

گفتم : بیان این مطلب نیاز به توضیح مفصل دارد و سپس گوشه ای از آزادی در اسلام را برای او شرح دادم .

گفت : اگر آنچه که تو می گویی ، از اینکه دنیای امروز آمادگی بیشتری برای پذیرفتن دستورات اسلامی دارد صحیح است ، پس چرا دستورات اسلامی را نمی پذیرد ؟

گفتم : برای اینکه دنیا هنوز معنی اسلام را نمی داند که چیست ؟ چه رسد به اینکه دستورات اسلام را بداند .

گفت : پس چرا شما روحانیت اسلام را به جهانیان معرفی نمی کنید ؟

گفتم : ما به مقدار و وسائلی که در اختیارمان باشد سعی و تلاش در جهت معرفی اسلام به جهان می کنیم ، ولی این مقدار تلاش کافی نیست . بیشتر از اینهم اسباب و وسائل در اختیار نداریم ، بعلاوه موانعی در این راه هست که همه می دانند آن موانع چیست و نمی گذارند که ما اسلام را به جهانیان معرفی کنیم .

و

دیگر اینکه اگر کارها بستگی به پذیرفتن یا نپذیرفتن دنیا داشت ، بر یک مسلمان لازم می شد که دست از اسلام بکشد ، و یک کیش و آیین جدیدی را برای خودش انتخاب نماید ، زیرا روش خاصی در کارهای زراعت ، صنعت ، قانون ، فرهنگ ، ارتش ، آموزش ، پرورش ، اقتصاد و دارائی و دیگر موارد زندگی داریم ، پس میزان برای همه اینها چیست ؟

مگر اینکه کسی بگوید بنا به خواسته استعمارگران ، اسلام به هیچ وجه ربطی به زندگی ندارد و فقط دین برای مسجد ، نماز ، روزه و یکسری از روشها و طریقه های خاصی می باشد .

ناچاریم از علماء پیروی کنیم

از سد خنده و چرخ دنیا گذشتیم و قرار بر این شد ، که برای ریشه کن کردن مفاسد تلاش کنیم . عده کمی از مردم به این مرحله می رسند ، ولی می بینیم که استعمار برای این مرحله نیز نقشه طراحی کرده است ، تا با اجرای آن تلاش ثمربخش اسلامی را از کار بیاندازد .

نقشه استعمارگران چیست ؟

نقشه اینست که مفاسد موجود در جامعه ، فقط بواسطه تشکیل احزاب و جدای از مرجعیت شیعه اصلاح شود و برای اجرای این نقشه ، هزار و یک شاهد دروغین آماده و جعل کرده اند . و مقصود استعمار از این نقشه درهم کوبیدن علماء می باشد . حزب به ظاهر اسلامی یک انجمن دینی است که هیچ گونه ارتباطی با مرجعیت ندارد ، و نمی تواند اسلام را آنگونه که علماء می فهمند بفهمد . زیرا فهمیدن اسلام احتیاج به سالیانی دراز تحقیق و مطالعه دارد . و چگونه یک حزب فرصت این را دارد ؟ در حالی که حزب یک جبهه عملی می باشد ، نه یک جبهه علمی .

پس برای برپائی یک دولت با قوانین اسلامی ، تأسیس و تشکیل احزاب اسلامی آزاد لازم و فعالیت این احزاب باید زیر نظر شورای فقهاء که مراجع تقلید و از سوی مردم انتخاب شده اند ، باشد . با این وجود باید مجلس شورائی برای پیاده نمودن قوانین اسلامی . و نیز برای دقت در کارها و نظارت بر نحوه اجراء قوانین ، تشکیل مجلسی از فقهاء بزرگ و خبره های عادل در سیاست ، تشکیل گردد .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهـایی همچـون دفـاتر مراجع معظم تقلیـد و همچنین سازمـان هـا، نهادهـا، انتشـارات، موسـسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹